

امپریالیستها و صهیونیستها بزرگترین تروریستها و بزرگترین ناقضین حقوق انسانها در جهان

بهترین نمونه عدم توجه به دموکراسی و حقوق انسانی و سیاست "به من چه، زیرا منافع شخصی من در خطر نیست" مسئله مشخص تجاوز بربرمنشانه ناتو بر هبری آمریکا به لیبی است. صحنه های جنایتکارانه کماندوهای ناتو که از راه هوا و زمین در مغایرت کامل با قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل، با قلدری و زورگویی و تحقیر افکار عمومی، به کاروان قذافی حمله کردند و وی را بیرون کشیدند با چاقو از پشت به وی تجاوز کردند، وی را کتک مفصل زدند و سپس به قتل رساندند را، همه دیده اند. وجدانهای بسیاری از این همه وحشیگری بردر آمد، بجز وجدانهای کسانی که این فجایع را تدارک دیده بودند و از کشتن قذافی باین وضع اظهار رضایت کردند و بیان کردند که مرگ وی بسیاری مشکلات حقوقی و سیاسی و قضائی آتی را حل کرد. دستگیری زنده وی برای ما مشکل آفرین بود. همه این سخنگویان که سببیتشان حیرت انگیز است، خود را مدافع دموکراسی و حقوق بشر جا می زنند. خود آنها قبلا در دادگاه دست نشانده کیفری جهانی لاهه که متعلق به خودشان است، حکم جلب قذافی را صادر کرده بودند، و بموجب آن حکم باید ظاهرا علاقمند می بودند که وی زنده دستگیر شده و در مقابل دادگاه قرار گیرد، ولی خود همان "قاضی ها"، دلشان نمی خواست زنده وی به دادگاه کیفری جهانی لاهه، که خود دادگاهی مسخره و دست نشانده است، تحویل داده شود. می بینید آنجا که پای منافع سیاسی در کار است، آنها به احکامشان نیز احترام نمی گذارند و بر اساس منافع سیاسی طبقاتیشان آنرا به زیر پا می گذارند. آیا سفاقت نیست که کمونیستها نیز با آنها هم آوا شوند؟ آیا این همآوائی، حکم قتل خود کمونیستها نیست؟ آیا این نشانه آن نیست که عده ای را قبل از اینکه روی صندلی اتهام بنشانند، روی صندلی ایستاده اند که بی خبر از عاقبت کار خویش برای قاتلهای خود دست بزنند؟

اگر شکنجه کار زشت و نکوهیده ایست، اعمالش در مورد هر کس حتی مخالف من هم نکوهیده است. اگر قبل از اعمال مجازات، باید دادگاه صالحه به جرم رسیدگی کرده باشد، همانقدر باید برای اسامه بن لادن معتبر باشد که برای هویدا و حتی خلخالی. آنها که فکر می کنند این اصول خدشه ناپذیر را می توانند بر اساس ذائقه خویش تعریف کنند گور خود را دارند می کنند و نمی فهمند.

باین جهت حزب کار ایران (توفان) رفتار جنایتکارانه او باش ناتو را نسبت به قذافی که به قتل رسید، ولی تس لیم نشد، محکوم می کند. حزب ما رفتار مزورانه و ریاکارانه امپریالیسم و صهیونیسم در برخورد به حقوق انسانها را محکوم می کند. حزب ما بر آن است که امپریالیستها و صهیونیستها بزرگترین تروریستها، بزرگترین مرتجعین، بزرگترین ریاکاران و دروغگوها، بزرگترین ناقضین حقوق انسانها در جهان هستند. امپریالیسم یعنی ارتجاع سیاه و با این ارتجاع سیاه باید تا نابودی اش مبارزه بی امان کرد، برای آنکه بشریت نجات یابد.

حزب ما بر آن است که مبارزه برای تحقق حقوق بشر بدون مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم سخنان پوچ و عوامفریبانه ای بیش نیست بلکه دموکراسی مصلحتی و دم بریده و بی محتوی را جا بیندازند.

حزب ما بر آن است که سازمانهای مدعی حمایت از حقوق بشر باید تجاوز به لیبی و رفتار وحشیانه و ضد بشری امپریالیستها و مشوقین آنها، صهیونیستها را محکوم کرده از حقوق انسانی و قانونی مردم لیبی به حمایت برخیزند، در غیر این صورت نشان می دهند که سازمانهای ساخته و پرداخته دست ارتجاع جهانی هستند و مشکلشان حمایت از حقوق بشر نیست. حقوق بشر گزینشی وجود ندارد. حقوق بشر تجزیه بردار نیست و با نقض آن اگر نخواهیم به ریاکاری متهم شویم، باید در همه جا از فلسطین و ابو غریب و بکرام و تل آویو و واشنگتن گرفته تا ایران مبارزه کنیم.

سخن هفته



حزب کار ایران (توفان)

جمعه بیست آبان 1390

www.toufan.org